

منافع نظامی متضاد ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان

علی اصغر بیک بیلندی^۱، مرتضی پورجعفری^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

چکیده

عضویت ترکیه در ناتو و همسویی این کشور با آمریکا که مورد استقبال کشورهای غربی نیز هست و از طرفی روابط نزدیک ترکیه با رژیم صهیونیستی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز تضاد منافع نظامی مابین ترکیه و ج.ا.ایران در بستر جمهوری آذربایجان گردد. تحقیق حاضر از نوع «توسعه‌ای- کاربردی» است؛ روش تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده که در آن پس از مطالعه ادبیات موضوع نسبت به تدوین مباحث نظری پرداخته شده است. همچنین روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، آمیخته است. با توجه به هدف پژوهش که تبیین منافع نظامی متضاد جمهوری اسلامی ایران و ترکیه متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان است، لذا روش پژوهش مناسب برای اجرای این پژوهش روش کیفی است. برای این منظور ابتدا اسناد و مدارک موجود برای دستیابی به هدف پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته و از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران بررسی کیفی انجام و پس از تحلیل آن‌ها تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان احصاء شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در این جمهوری در قالب تقابل ژئواستراتژی، تقابل با ناتو و رژیم صهیونیستی، تقابل با گروه‌های تکفیری و نگاه تهدیدمحور به ج.ا.ایران، متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان است. لذا ضرورت دارد ج.ا.ایران از طریق فراوری و فعال کردن ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و نظامی، متناسب با کنشگری نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان، منافع نظامی خود را مبتنی تحولات راهبردی در سطح منطقه، به‌ویژه در جمهوری آذربایجان بازتعریف نموده و به دنبال ایجاد تحول در معادلات موجود به‌سود ج.ا.ایران باشد.

واژگان کلیدی: منافع ملی، تضاد منافع، ژئوپلیتیک، قلمروسازی، قلمروسازی ژئوپلیتیکی

۱ دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۲ دکتری علوم دفاعی راهبردی-دفاع ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) ppjafarimorteza@gmail.com

مقدمه

از دیدگاه ژئوپلیتیک، به لحاظ عدم ثبات مؤلفه‌های قدرت آفرین، مناطق در تفسیر ژئوپلیتیک پویایی فراوانی داشته و همواره تغییر در آن‌ها امکان‌پذیر است. به همین دلیل الگوهای متغیر قدرت، الگوی ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایجاد نموده و در طی دوره‌ای حدوداً دویست ساله قلمروهای ژئوپلیتیک بارها دگرگون شده‌اند (احمدی و حیدری موصول، ۱۴۰۲: ط). در تحلیل این موضوع کوهن^۱ با ارائه مبحث پویایی مناطق، بر این باور است که نه قلمروهای ژئواستراتژیک ثابت‌اند و نه منطقه‌های ژئوپلیتیک؛ بلکه این قدرت‌های درجه دوم هستند که منطقه‌های ویژه خود را بر اساس مصالح خویش تعیین می‌کنند (کوهن، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

لذا در این نگاه فضای جغرافیایی به علت برخورداری از ویژگی‌های ساختاری و کالبدی، نقشی بنیادین و اثرگذار در این حوزه به خود اختصاص داده است؛ کانون جغرافیا را قدرت تشکیل داده و نبردهای کل تاریخ برای دستیابی و کنترل سرزمین‌ها و فضای جغرافیایی درگرفته‌اند (دوثرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۷: ۱۷۶)^۲؛ همچنین این باور شی‌الن^۳ که فضا سرچشمه شکوفایی و قدرت دولت-هاست؛ و دوام و بقای دولت تنها فضایی هستند (لورو و توال^۴، ۱۳۸۱: ۸)؛ مبین اهمیت این موضوع است که پایه اصلی نظریات ژئوپلیتیکی بر آن بنا شده است. بنابراین توسعه و ساخت قلمرو^۵ که با هدف اعمال قدرت بر یک فضا همراه است، به علت تحقق منافع مرتبط با مؤلفه‌های قدرت، مدنظر بازیگران سیاسی بوده و به‌طور مستمر دنبال می‌گردد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸)؛ لذا واقع شدن دو یا چند قدرت هم‌تراز در یک منطقه همواره عامل رقابت بوده و زمینه‌ساز بروز منازعه و ناامنی تلقی می‌گردد. گزاره‌های بالا حاکی از آن است که قلمروسازی ژئوپلیتیکی دو قدرت در یک محیط جغرافیایی که هر دو در آن منافع مشترکی را دنبال می‌نمایند، موجب بروز تنگناهای ژئوپلیتیکی بین آن‌ها گردیده و زمینه را برای به‌وجود آمدن تضاد منافع بین دو قدرت، فراهم می‌نماید. بدیهی است بروز تنگناهای ژئوپلیتیکی و ایجاد تضاد منافع بین دو قدرت در محیط جغرافیایی مشترک، می‌تواند سبب وقوع منازعه بین آن‌ها نیز گردد؛ با همین رویکرد می‌توان دریافت که وجود چند قدرت در جنوب غرب آسیا، که هر یک داعیه رهبری منطقه‌ای را نیز دارند،

1. kohen

2. Dougherty & Pfaltzgraff

3. Shi Allen

4 . Lorot & Thual

5 . Constructing Territory

خود سبب ایجاد رقابت و منازعه پایدار شده است. همچنانکه جمهوری اسلامی ایران مراکز جغرافیایی شیعه را حمایت می‌کند، ترکیه نیز ایده احیای قدرت نوین به پهنای جغرافیای قدیم خود مبتنی بر شکوه امپراتوری عثمانی را ارائه نموده است (هندرسون^۱: ۲۰۲۰: ۵۵). بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه با استفاده از خلأ استراتژیک و ایدئولوژیک به وجود آمده در این منطقه، بر اساس تفکر سکولار و با حمایت غرب در راستای توسعه عمق استراتژیک خود، نهادهایی را جهت ترویج اندیشه‌های پان ترکیستی در مقابل تفکرات محوری جمهوری اسلامی ایران پایه‌گذاری کرد. تمرکز ترکیه ایجاد همگرایی ترک‌زبان‌ها و آذری‌زبان‌ها برای توسعه ژئوپلیتیکی جهت گرایش طلبی امپراطوری عثمانی بوده، در حالی که تمرکز ایران بر همگرایی، امت پروری و بر آموزه‌های اسلامی و شیعی است. با این نگاه قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان در ابعاد مختلف به‌ویژه بعد نظامی، علاوه بر اینکه بازیگری ج.ا.ایران در جمهوری مذکور را کاهش داده و محدود می‌سازد، می‌تواند در برخی از موارد، منافع نظامی ایران را به مخاطره انداخته و زمینه را برای ایجاد تضاد منافع نظامی و در ادامه وقوع منازعه بین طرفین، متصور و محتمل سازد.

خروجی این تحقیق می‌تواند پیامدهایی از قبیل اصلاح ساختارها و هدایت منابع متناسب با تهدیدات نظامی ناشی از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان را به‌دنبال داشته و نیز به‌عنوان یک بسته آموزشی در مراکز آموزشی، پژوهشی و دانشگاه‌های نظامی مورداستفاده قرار گیرد. از سوی دیگر عدم توجه به این مهم عواقب سوئی از جمله غافلگیری راهبردی و در نتیجه عدم تحقق منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان را در پی خواهد داشت. بنابراین ضرورت دارد که ج.ا.ایران منافع نظامی خود را مبتنی بر تحولات راهبردی در سطح منطقه، به‌ویژه در جمهوری آذربایجان بازتعریف نموده و به دنبال ایجاد تحول در معادلات موجود باشد. بدیهی است این مهم مستلزم درک کامل منافع نظامی ج.ا.ایران و ترکیه متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان بوده و همچنین احصاء تضاد منافع نظامی دو کشور ناشی از کنشگری ترکیه در آذربایجان خواهد بود؛ از این رو با توجه به مطالعات صورت‌گرفته از سوی محقق، تاکنون به‌صورت علمی به این موضوع پرداخته نشده است. پس مسئله اصلی تحقیق، چیرستی تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران ناشی از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان است. بنابراین این تحقیق ضمن تبیین منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان، به‌دنبال برشماری منافع نظامی متضاد ترکیه و ج.ا.ایران، متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان، است.

مبانی نظری

- پیشینه شناسی:

جواد قاصد نظامیان (۱۳۹۹) در دانشگاه عالی دفاع ملی در رساله‌ای با عنوان ارائه سیاست‌های دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران در قبال ترکیه مبتنی بر تحولات منطقه‌ای، جهانی و آینده‌های بدیل ترکیه، اشاره می‌نماید که باروی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و اعمال سیاست نو عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی این کشور روند شدت بخشید. در همین راستا جنبه‌هایی از سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه که در چارچوب نو عثمانی‌گرایی تفسیر می‌شود عبارت‌اند از منطقه‌گرایی، شرق‌گرایی و بازیگری در تحولات منطقه. در این خصوص خنثی‌سازی دیپلماسی فعال و تهاجمی ترکیه از عدم انطباق ارزش‌های مردم مسلمان آن کشور با سیاست‌های نظام حاکم از طریق تبیین اختلافات با همسایگان و همچنین تقویت فرهنگ جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی و تقویت گفتمان مقاومت در ترکیه، از جمله راه‌کارها می‌باشد. یدالله جوانی (۱۳۹۷) در رساله خود با عنوان ایده آذربایجان بزرگ و راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، عنوان می‌نماید که الگوی امنیت راهبردی تهدیدات پایدار جمهوری آذربایجان در قبال ایران در چهار حوزه نظامی، اقتصادی، سایبری و فرهنگی ارزیابی می‌کند. این الگو نظام نو محافظه‌کاری را اصلی‌ترین عامل تحریک‌کننده تهدیدات فوق تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش مذکور نشان می‌دهد که در حوزه تهدیدات منطقه‌ای، جمهوری آذربایجان در قالب اتحاد با ترکیه، سعی در تضعیف قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا را داشته و در این راستا دامنه تهدیدات بخش نظامی آذربایجان، به لحاظ الگوگیری از سیاست‌های ترکیه و رژیم صهیونیستی، از شدت و حدت بیشتری برخوردار است. حسن یزدانی (۱۳۹۴) در رساله‌ای با عنوان الگوی مناسب دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابل ترکیه، چنین نتیجه‌گیری نموده است که به دنبال شناخت دقیق‌تر رویکرد دفاعی - امنیتی ترکیه، باید اقدام خود را بر روابط سیاسی با ترکیه متمرکز نموده، سپس به سمت روابط نظامی، امنیتی و اقتصادی با آن کشور حرکت نمایند. در تحقیق مذکور رتبه‌بندی شاخص‌ها از لحاظ اولویت نیز ابتدا به همگرایی در موقعیت‌های ارتباطی سپس به تأمین سوخت و انرژی توسط ایران جهت جذب این کشور و در نهایت تلاش در جهت استقرار صلح، ثبات و امنیت مرزی داده شده است. حمیدرضا کاظمی (۱۳۹۹) در پروژه‌ای در دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص) دانشگاه جامع امام حسین (ع) با عنوان تحول در سیاست خارجی ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انجام داده، به این نتیجه دست یافته که ناکامی سیاسی، از مهم‌ترین دلایل هر کشوری برای تغییر در راهبرد پیشین و اتخاذ رویکرد جدید است. ترکیه در

ترکیه در جمهوری آذربایجان

طول سه دهه گذشته، برای پیشبرد اهدافش به دیگران متوسل می‌شد و با استفاده از ثروت بادآورده نفتی و همچنین پوشش رسانه‌ای و همکاری با برخی از سازمان‌های اطلاعاتی تلاش می‌کرد به اهداف اصلی خود که مهم‌ترین آن فشار به ایران بود برسد. داوود رضایی سکه‌روانی در رساله دکتری خود در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان تبیین الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیک کشورها (مطالعه موردی روسیه در اوراسیا)، الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی با عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که شکل‌دهنده کنش قلمروسازی کشورها را دربر می‌گیرد، ارائه می‌نماید. برنارد زارور^۱ (۲۰۲۰) در پروژه‌ی تحقیقاتی خود در دانشگاه هاروارد با عنوان سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری آذربایجان بعد از سال ۲۰۱۱، بیان می‌دارد که ترکیه در چه محیط ژئوپلیتیکی و بین-المللی سیاست خارجی خود در قبال جمهوری آذربایجان تعریف کرده و نخبگان سیاسی ترکیه چگونه از سیاست خود در نقش بین‌المللی خود استفاده نموده‌اند. مهدی حسن‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات قفقاز جنوبی، به ارزیابی سیاست‌های حزب عدالت و توسعه و تحولات اساسی روی داده در سیاست داخلی و خارجی ترکیه پرداخته و نتیجه گرفته است: سیاست درهای باز اسلام‌گرایان و گردش سیاست خارجی این کشور به سمت قفقاز جنوبی گمانه‌زنی‌ها در مورد نقش ترکیه در آینده خاورمیانه را افزایش داد. ازجمله این گمانه‌زنی‌ها بازسازی نقش ترکیه در قالب سیاست نوعثمانی‌گری در خاورمیانه بود. درواقع تئوریسین‌های اسلام-گرا در ترکیه مخصوصاً احمد داود اوغلو بعد از به قدرت رسیدن، این داعیه را پروراندند که این کشور توانایی راهبردی برای ایجاد تغییرات اساسی در خاورمیانه را دارد و می‌تواند به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بحران‌های خاورمیانه را در مقابل رقبایی چون ایران کنترل نماید. آراز دامالا (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان استراتژی‌های مشابه، نتایج متفاوت؛ ارزیابی اثر دیپلماسی اجباری ترکیه در قفقاز که در دانشگاه بیلکنت ترکیه ارائه نموده است، راهبردهای ترکیه در قفقاز را از سال ۲۰۰۷ موردبررسی قرار داده و با تکیه بر نتایج اقدامات ترکیه در این منطقه در همان بازه زمانی، شکست راهبرد وقت آن کشور را اعلام و خواستار تجدید نظر در راهبرد ترکیه شده است. در این مقاله نتیجه گرفته شده است که برابر شواهد موجود هیچ دلیلی مبنی بر پیروزی راهبرد ترکیه وجود ندارد، لذا ترکیه باید از راهبردهای جایگزین برای دیپلماسی فعال در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و دفاعی استفاده نماید.

پیشینه‌های تحقیق، عمدتاً به بررسی سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و یا عوامل ژئوپلیتیک این کشور

پرداخته‌اند و اقدامات نظامی ترکیه در حوزه قلمروسازی به‌ویژه قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان مغفول مانده؛ لذا پرداختن به آن به‌عنوان نوآوری این تحقیق، می‌تواند ضمن احصاء منافع نظامی متضاد ج.ا.ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان، به توسعه علم در جهت اتخاذ راهبردهای مناسب در راستای تأمین منافع ملی ج.ا.ایران کمک نماید.

- مفهوم شناسی:

منافع ملی: منافع ملی، بیان واقعی از کسب «مطلوبیت نهایی» یک کشور در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... در فضای محیطی پیرامونی خود است؛ که بازیگران سیاسی بدون توجه به بافت و شرایط محیطی و کنش امنیتی و راهبردی حوزه نفوذ خود، قادر به تحصیل آن نخواهند بود (احمدی و حیدری موصول، ۱۴۰۲: ۱۲۵).

منافع ملی شامل ارزش‌هایی است که برای یک کشور از ارجحیت و اهمیت والایی برخوردار بوده و بقاء و حیات مادی و معنوی ملت و کشور درگرو تأمین این ارزش‌ها است؛ بنابراین هیچ کشوری حاضر نیست از منافع ملی خود دست بردارد و یا بر سر آن مصالحه، معامله و سازش نماید. به‌عبارت‌دیگر، منافع ملی ضامن بقاء، استقلال و حیات کشور است و از چنان حساسیت و اهمیتی برخوردار است که برای دفاع از آن ملت‌ها آماده همه‌گونه فداکاری و جان‌فشانی هستند. اصولاً در سیاست‌گذاری‌های دفاعی و امنیتی، این قبیل ارزش‌ها را به‌عنوان منافع امنیت ملی نام‌گذاری می‌نمایند که ازجمله مصادیق آن می‌توان به استقلال سیاسی، تمامیت ارضی کشور، حاکمیت ملی، نهادهای اساسی و ارکان کشور، حاکمیت ارزش‌ها، عقاید و ایدئولوژی مردم، پرستیژ و افتخارات ملی نیز اشاره نمود (تهامی، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۲). منافع ملی عبارت است از ارزش‌های مادی و معنوی که افراد یک ملت نسبت به آن‌ها خودآگاهی داشته و احساس تعلق، وابستگی و مالکیت نموده و برای حفاظت از آن‌ها و جلوگیری از تصرف آن‌ها به دست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه می‌باشد. همچنین منافع ملی ممکن است به مثابه هدف‌های اولی و همیشگی کشور تعریف شوند و این هدف‌های همیشگی به ارزش‌های چهارگانه زیر اطلاق می‌شود:

۱- امنیت وجودی

۲- امنیت ملی

۳- حفظ و ازدیاد قدرت کشور در روابط با کشورهای دیگر

۴- پرستیژ ملی (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۴۳۲)

منافع ملی به مجموعه‌ای از مصالح و فوایدی اشاره دارد که برای یک کشور و جامعه به‌صورت

کلی مورد نیاز و حائز اهمیت است. منافع ملی شامل حفظ امنیت و سلامتی کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی از جمله تهدیدات نظامی، تروریسم، تجاوز و تهدیدات امنیتی دیگر می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۷۴). منافع ملی به اهداف یک دولت اطلاق می‌شود که در سطح بین‌المللی برای حفظ آن‌ها تلاش می‌کند؛ منافع ملی را می‌توان از لحاظ درجه اهمیت به سه دسته تقسیم کرد:

- منافع حیاتی: منافعی که با موجودیت یک دولت در ارتباط است و به هیچ وجه قابل مذاکره نیست.

- منافع مهم: منافعی که دولت‌ها برای حفظ و صیانت آن‌ها در مذاکرات تلاش می‌کنند

- منافع حاشیه‌ای: منافعی که تنها برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی یک دولت در مذاکرات ایجاد شده و قابل چشم‌پوشی است (مرادیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲).

تضاد منافع: تضاد به معنای شرایطی است که در آن دو عضو (فرد، گروه، سازمان، کشور و ...) در راه رسیدن به یک هدف مشترک، مسیرهایی را بر می‌گزینند که منافع‌شان را به حداکثر برسانند. بدیهی است که این مسیرها میان دو عضو مشابه نبوده و در عین حال لازم است که نهایتاً هر دو عضو یک مسیر مشترک را انتخاب نمایند. تضاد در سطح کلان اعضاء مانند کشورها می‌تواند به صورت‌های وظیفه‌ای و فرآیندی؛ و در اشکال عمودی و افقی؛ و در برگیرنده منافع کلان (حیاتی، مهم و حاشیه‌ای) باشد. (رابینز^۱، ۱۳۹۹: ۴۴)

تضاد منافع از جمله مؤلفه‌هایی است که می‌تواند عملکرد حکومت‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد، زیرا بستر (موقعیت‌های) تضاد منافع به‌طور بالقوه امکان ایجاد و افزایش کشمکش‌ها در سطح بین‌الملل را موجب شده و حوزه نفوذ را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد؛ لذا مجموعه‌ای از شرایط را که موجب می‌شود تصمیمات و اقدام‌های راهبردی، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گرفته و مانع از تحقق اهداف و منافع گردد، تضاد منافع می‌خوانند (احمدی، ۱۴۰۰: ۲). تعارض منافع یا همان تضاد منافع در کل به معنای در عرض هم قرار گرفتن منافع مختلف است؛ به نحوی که نتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد. این مفهوم یکی از شاخصه‌های اصلی به وجود آمدن منازعه و کشمکش بین دو گروه، جامعه، دولت و ...، متأثر از تلاش هم‌زمان برای کسب منفعت مشترک در یک فضای جغرافیایی و یا کالبدی مشترک می‌باشد. تعارض منافع/تعارض علائق/تضاد منافع/مناقشه منافع از دیگر واژه‌های همسان برای این کلمه است. به نظر می‌رسد کلمه تعارض منافع

کافی و کامل نیست و کلمه تضاد منافع می‌تواند جانشین آن شود. (کلینتون^۱، ۱۴۰۰: ۱۸۲). تضاد منافع یکی از واژگانی است که در عمده علوم انسانی مثل حقوق و علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته‌است. تعارض منافع یا تزاخم منافع به شرایطی گفته می‌شود که در آن افراد یا نهادها (جوامع، دولت، رسانه، کسب و کار و ...) در پی دستیابی به منافع شخصی یا گروهی، با یک رقیب یا دشمنی مواجه می‌گردند که او نیز به دنبال کسب و حفظ همان منافع است و از این رو دو طرف بر سر به-دست آوردن آن در یک فضای رقابت یا منازعه قرار می‌گیرند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۲۲۰).

ژئوپلیتیک: جفری پارکر^۲ ژئوپلیتیک را مطالعه روابط بین‌الملل از نگاه فضای جغرافیایی می‌داند (پارکر، ۲۰۲۰: ۲۲). ژئوپلیتیک مفهومی است که به جایگاه جغرافیایی و شرایط پیرامون بقای یک کشور اشاره دارد؛ ژئوپلیتیک در اصل از طریق برآورد میزان ثمربخشی توانایی‌های اعمال قدرت بر رفتار استراتژیک یک کشور تأثیر می‌گذارد (سالیوان^۳، ۲۰۲۱: ۱۱). تعاریف، دیدگاه‌ها و نگرش-های متفاوتی که نسبت به موضوع و ماهیت ژئوپلیتیک مطرح شده نشان از گستردگی قلمرو مورد مطالعه ژئوپلیتیک دارد. به‌طور مشخص پنج دیدگاه را می‌توان از میان این نگرش‌ها دریافت کرد.

-تأثیر جغرافیا بر امور نظامی - استراتژیک

-تأثیر یک جانبه جبری جغرافیا بر سیاست به‌ویژه روابط بین‌الملل

-تأثیر دو جانبه جغرافیا

-ساختار قدرت و رقابت جهانی

-دانش عملی فضائی‌سازی سیاست‌ها و هدایت رقابت‌ها (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۱).

در بیان مفهوم ژئوپلیتیک، جغرافیا را متشکل از نقاط کوچکی (تنگه‌ها، رودخانه‌ها، منابع طبیعی) می‌داند که کانون تحولات ژئوپلیتیکی بوده و پیامدهای تحولات آن می‌تواند از نقطه شروع تحول بسیار فراتر رود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۱۷۷). در اندیشه‌های ژئوپلیتیکی راتزل و هاوس-هوفر^۴ توسعه فضائی قلمرو و تشکیل امپراتوری آلمان که وابسته به نیازهای حیاتی این کشور بود، دیده می‌شد (لورو و توال، ۱۳۹۶: ۴-۶).

قلمروسازی: قلمروسازی به‌عنوان یک راهبرد دارای ویژگی‌هایی است؛ اول) شکلی از طبقه‌بندی نواحی دارای شمول و استثناست، دوم) اینکه قلمروسازی دارای قابلیت ارتباط است و به آسانی

-
1. Kelinton
 2. Parker
 3. Sullivan
 4. Karl Haushofer

بر روی زمین و نقشه گرافیکی نمایش داده می‌شود، سوم) حفظ قلمرو نیازمند قدرت اجرایی از طریق حضور مستقیم نیروهای نظامی یا تهدید ارجاع به قانون می‌باشد. بنابراین قلمروسازی به‌عنوان یک ساختار سیاسی و انسان‌ساخت به‌جهت ماهیت قلمروخواهانه خود و تلاش برای تقسیم فضا، ماهیتاً مشاجره آمیز است و بدون تقسیم بی‌رحمانه فضا به بخش‌های جداگانه و تخصیص انحصاری فضا وجود نداشته است (بلاکس^۱، ۱۳۹۸: ۳۹-۳۸). اندیشه و کنش ژئوپلیتیکی انسان که از تولد تا زمان مرگ معطوف به تأمین و حفاظت از منافع خود بوده او را به‌عنوان یک بازیگر سیاسی و موجودی ژئوپلیتیکی برای رفع نیازهای اساسی به فضا جهت سکونت، فعالیت و حرکت به سوی قلمروسازی در فضای جغرافیای اعم از خصوصی و عمومی سوق داده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۹). قلمروسازی الگوی رفتاری از سوی اشغال‌کنندگان یک فضا جهت محافظت از مرزهای آن فضا است (دادس^۲، ۱۳۹۶: ۱۰۴). با این وجود نخستین توجهات به مفهوم قلمروسازی در دهه ۱۹۲۰م از سوی رفتارشناسان صورت گرفت که با بررسی رفتار حیوانات در شکل دادن و محافظت از محدوده زیست خود، عنوان قلمروسازی را برای این رفتار برگزیدند (زه‌دی‌گهرپور، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

قلمروسازی ژئوپلیتیکی: در قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها برخلاف تئوری توسعه‌طلبی ارضی راتزل^۳ به دنبال بعد فیزیکی قلمرو و توسعه نیستند، اگر چه اساساً همان نوع نگرش و توسعه‌طلبی را دنبال می‌کنند، متها این بار از طریق حوزه اندیشه و فرهنگ، [سیاست، اقتصاد، تکنولوژی و...] برای تسلط بر ذهن‌ها و قلب‌های مردم و در نهایت کنترل و نظارت بر قلمروهای مختلف جغرافیایی در راستای الگوی نظم سرمایه‌داری مورد نیاز خود در فضاها و جغرافیای عملی می‌کند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳).

در قلمروسازی ژئوپلیتیکی شاهد حضور مستقیم بازیگران خارجی در فضای مورد نظر نیستیم بلکه نفوذ و کنترل اذهان عمومی و کنشگران سیاسی، آن سرزمین را به قلمرو آن‌ها تبدیل می‌کند؛ و با وجود اینکه مرزهای جغرافیای سیاسی کشورها در نوردیده می‌شود، معمولاً مرزهای سنتی پایدارند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۹۵). جونز^۴ معتقد است که دولت‌ها در جریان ترکیب استیلای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی به کانون اتصال امپراتوری‌های گسترده تبدیل می‌شوند بنابراین در قلمروسازی

1. Belax

2. Duds

3. Rutzel

4. Jonz

ژئوپلیتیکی، بازیگران برای دستیابی به منافع خود با شیوه و عمل متفاوتی اهدافشان را دنبال می‌کنند. این نوع قلمروسازی با وجود اثرگذاری بالا در تأمین منافع بازیگران به لحاظ شکلی کمتر مورد چالش و مبارزه نهادهای سیاسی و بین‌المللی قرار می‌گردد به گونه‌ای که می‌توان توسعه روند جهانی شدن پدیده‌ها را نتایجی از تداوم قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها دانست (جونز و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۲).

– تضاد منافع نظامی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان:

جمهوری آذربایجان یکی از مهم‌ترین مراکز نفوذ ترکیه در حوزه پیرامونی ایران است، ترکیه ضمن نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جمهوری آذربایجان همواره به دنبال استقرار پایگاه نظامی خود در این کشور و در کرانه مرزهای شمال غرب ایران بوده، موضوعی بسیار حساسیت برانگیز که به سود امنیت و ثبات منطقه‌ای نیست. یکی از مناطقی که برای میزبانی از پایگاه نظامی ترکیه مطرح شده، جمهوری خود مختار نخجوان در نزدیکی مرز ایران است. احداث پایگاه یا پایگاه‌های نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان می‌تواند سطح تنش‌ها را در منطقه بالا ببرد. حضور نظامی ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی یادآور دوره امپراتوری عثمانی است. ایران، روسیه و ارمنستان در دوره‌های مختلف تاریخی، با امپراتوری عثمانی، تنش‌ها و جنگ‌های بسیاری داشته‌اند. بدیهی است استقرار پایگاه نظامی ترکیه در کرانه مرزهای شمال غرب ایران و بین خاک ایران و ارمنستان، امر بسیار حساسیت برانگیز است و به سود امنیت و ثبات منطقه‌ای نیست. ضمن اینکه روسیه هم نسبت به حضور نظامی ترکیه با کشوری دیگر در منطقه، بسیار حساس است (تراب‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۵). عده‌ای در ترکیه و جمهوری آذربایجان ادعا و تلاش می‌کنند ایران را به طرفداری از ارمنستان متهم کنند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که عده‌ای از دولتمردان و نخبگان جمهوری آذربایجان، ایران را به حمایت از ارمنستان در جنگ قره‌باغ متهم می‌کنند، برنامه‌های بلندمدت و نقشه‌هایی است که آن‌ها برای بخشی از خاک و سرزمین جمهوری اسلامی ایران و به ویژه استان‌های آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل دارند. ایران کوشید از راه دیپلماتیک، طرف‌های درگیر در جنگ را به یکدیگر نزدیک و به این جنگ خاتمه بدهد اما متأسفانه این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. هم اکنون نیز که بیش از دو دهه از زمان شروع مناقشات مربوط به قره‌باغ، وضعیت کاملاً شکننده است و هر آن احتمال بروز نبردی دیگر وجود دارد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۸: ۱۵۰).

کشورهای تازه بنیاد عموماً تا مدت‌ها پس از استقلال، درگیر تنش‌ها و جنگ‌های سرزمینی می‌شوند. جمهوری آذربایجان هم از این قاعده مستثنی نیست، این کشور از زمان استقلال تاکنون بر سر حاکمیت ناگورنو-قره‌باغ با ارمنستان کشمکش دارد (حیدری ۱۳۹۶: ۳۸). ترکیه در این مناقشه همانگونه که انتظار می‌رفت از جمهوری آذربایجان حمایت کرد، حمایتی همه جانبه که حتی با

ترکیه در جمهوری آذربایجان

اعزام نیروی انسانی و تجهیزات و ادوات جنگی فراوان ادامه یافت. در واقع، این جنگ فرصتی برای ترکیه بود که بتواند خود را به جمهوری آذربایجان نزدیک کند و در نقش یک حامی منطقه‌ای ظاهر شود. باکو در این جنگ از لحاظ نظامی به شدت تحت فشار بود و به کمک‌های کشوری چون ترکیه نیاز داشت. ترکیه با حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ، زمینه را برای همکاری‌های بلندمدت دو کشور در زمینه‌های مختلف به ویژه در بخش نظامی و نقش‌آفرینی در رویدادهای منطقه قفقاز جنوبی فراهم کرد. در این جنگ آنکارا ضمن جانبداری از باکو، اقدام‌هایی را برای تحت فشار گذاشتن ایروان انجام داد. ترکیه مرز زمینی خود با ارمنستان را بست و تحریم‌هایی اقتصادی را علیه این کشور به اجرا گذاشت. ترکیه علاقه‌مند است که در جمهوری آذربایجان پایگاه یا پایگاه‌هایی نظامی احداث کند و طرف مقابل هم از این امر استقبال کرده است (امیر احمدیان، ۱۳۹۸: ۱۴۴). یکی دیگر از اهداف حضور ترکیه در قفقاز جنوبی به‌ویژه جمهوری آذربایجان، تأمین منافع بازیگران فرامنطقه‌ای غربی در قالب توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ ناتو به سمت شرق در این منطقه است (ایزدی، ۱۳۹۹: ۵۵). برنامه‌ی بین منطقه‌ای کمیسیون موسوم به «تراسکا» که در سال ۱۹۹۳ در بروکسل با حضور وزرای تجارت و حمل و نقل آسیای مرکزی و قفقاز شکل گرفت و در ۸ سپتامبر ۱۹۹۸ در اجلاس باکو با امضای موافقت‌نامه‌ی چندجانبه اصلی حمل و نقل بین‌المللی برای توسعه‌ی دهلز اروپا/ قفقاز/ آسیا توسط مقامات ارشد کشورهای محور به تکامل رسید و بر جابجایی مسافر، کالا، کانتینر و انرژی توسط اتومبیل، راه آهن، کشتی، هواپیما و خطوط لوله تأکید داشت، نمونه‌ی توسعه‌ی پیوندهای ژئوپلیتیک و گسترش حوزه‌ی نفوذ اروپا در این منطقه است که به‌نظر می‌رسد با استراتژی مشارکت و تعامل دوجانبه با بازیگران محلی انجام می‌پذیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۳). ناتو به منزله‌ی بازوی نظامی آمریکا از طریق برنامه‌ی مشارکت برای صلح، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را در مدار امنیتی خود وارد کرده است (ایزدی، ۱۳۹۹: ۶۴). مقامات آمریکا بر این باورند که گسترش ناتو به شرق ضمن رفع خلاء امنیتی منطقه می‌تواند از قدرت چانه‌زنی ایران، چین و روسیه بکاهد. چرا که جمهوری‌های قفقاز خودشان داوطلبانه خواهان این قبیل همکاری‌ها هستند و نمونه آن را می‌توان در دعوت آذربایجان از آمریکا برای انتقال پایگاه اینجریلیک به جزیره‌ی آبشرون ملاحظه نمود (نصری مشکینی، ۱۳۹۹: ۹۲). کشورهای آذربایجان و گرجستان تمایل خود را برای عضویت در ناتو اعلام داشته‌اند که در صورت وقوع مرزهای شرقی ناتو به دریای خزر متصل، و توازن قوا در منطقه دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد (ایزدی ۱۳۹۹: ۶۸). اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد تمامی مرزهای شمال غربی ایران در محاصره‌ی ناتو درخواهد آمد و و با توجه به کنشگری ترکیه و رژیم صهیونیستی در جمهوری

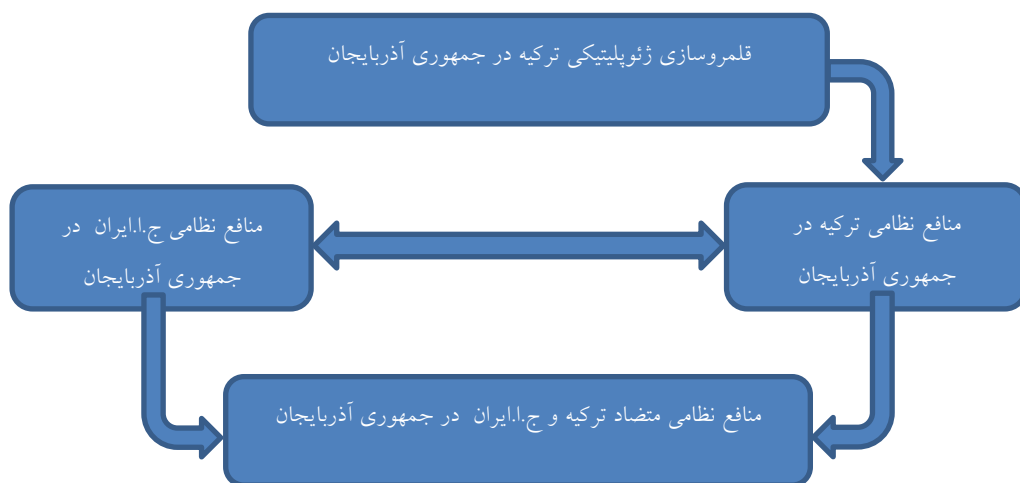
آذربایجان و تعاملات روزافزون نظامی و امنیتی بین طرفین، زمینه برای بروز چالش‌های امنیتی در منطقه فراهم خواهد شد. با توجه به توسعه روابط بین ترکیه، رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان، این امر همچنین گسترش هر چه بیشتر اندیشه‌های لیبرالیستی و لائیک در منطقه را در پی خواهد داشت که این مهم می‌تواند موجب واگرایی بیش از پیش فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان شود؛ (جوادی ارجمند، ۱۴۰۱: ۲۰۳). با توجه به فضای استراتژیک حاکم بر منطقه‌ی قفقاز و منطق سیاست خارجی آذربایجان، شاهد توسعه و تحکیم روابط این کشور با رقبای و دشمنان جمهوری اسلامی ایران، و در نتیجه اتخاذ مواضع غیر دوستانه از سوی باکو هستیم؛ تصمیم باکو برای تعطیل نمودن سفارت این کشور به دنبال وقوع حادثه حمله مسلحانه برای سفارت جمهوری آذربایجان در ۱۴۰۱/۱۱/۷ در تهران که برابر اعلام مراجع ذی‌صلاح، با انگیزه شخصی صورت گرفت، از آثار و نتایج این مهم می‌باشد (خبرگزاری ایرنا ۱۴۰۲/۲/۲۲). از دیگر مصادیق تضاد منافع جمهوری اسلامی ایران با ترکیه در جمهوری آذربایجان در حوزه نظامی، تلاش جمهوری آذربایجان برای اشغال استان سیونیک در جنوب ارمنستان و قطع مرز جمهوری اسلامی ایران با این کشور در قالب پروژه انگلیسی ایجاد دالان جعلی زنگرور یا همان دالان تورانی ناتو است که با ایفاء نقش ترکیه و رژیم صهیونیستی و بازیگری جمهوری آذربایجان در جریان است (ترابزاده، ۱۳۹۸: ۱۴۷).

– چارچوب نظری تحقیق

به‌طور کلی چارچوب نظری، روابط بین متغیرها، مفاهیم و یا اجزاء یک تحقیق را نشان می‌دهد. چارچوب نظری به مخاطب برای فهمیدن، شبیه‌سازی و درک بهتر مفاهیم و موضوعات مورد نظر کمک می‌کند. طراحی یک چارچوب نظری با پرسش‌های آغازین مسئله تحقیق آغاز می‌شود و بر اساس هدف اصلی طراحی می‌شود. چارچوب نظری بازنمایی یک سیستم با استفاده از عوامل تشکیل‌دهنده و الگوی روابط علی میان عوامل است. چارچوب نظری مبنایی است که محقق بر اساس آن درباره‌ی روابط بین عواملی که در ایجاد مسئله، مهم تشخیص داده شده‌اند، نظریه‌پردازی می‌کند. این نظریه می‌تواند ضرورتاً سخن پژوهشگر نباشد و گاهی به‌طور منطقی از نتایج تحقیقات قبلی پیرامون مسئله‌ی تحقیق به وجود آمده باشد (خاکی، ۱۴۰۲: ۷۷). در این تحقیق تلاش گردیده در راستای تبیین کامل و جامع عوامل و شیوه‌های اثرگذار بر کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی، تمامی متغیرهای مربوط به آن برشماری گردد؛ هرچند سرعت تغییرات در عرصه روابط بین‌الملل که دگرگونی در خواسته و اراده‌ی کشورها جهت تحصیل قدرت و ارتقاء امنیت ملی‌شان را به همراه دارد، بی‌شک در آینده موجب افزایش نظریات جدید که در برگیرنده شاخصه‌های تأثیرگذار دیگر

که به نوعی مرتبط با قدرت و منافع بازیگران باشد، خواهد شد. برخی از این متغیرها با توجه به ارتباط نزدیکی که به لحاظ مفهومی و عملکردی دارند، می‌توانند زیر مجموعه یک یا چند مؤلفه قرار گیرند که مغایرتی با اصل موضوع جهت تأثیرگذاری بر کنش قلمروسازی کشورها ندارند. لازم به ذکر است که ماهیت اصلی عوامل و دلایل مطروحه ژئوپلیتیکی هستند.

نمودار شماره ۱: چارچوب نظری پژوهش



عوامل نظامی تشکیل دهنده قدرت ملی در جمهوری آذربایجان

– نیروی انسانی

تاریخ ارتش آذربایجان به زمان جمهوری دموکراتیک آذربایجان در سال ۱۹۱۸ که ارتش ملی تازه شکل گرفته بود باز می‌گردد. وقتی جمهوری آذربایجان استقلال خود را پس از فروپاشی شوروی سوسیالیستی به دست آورد بر پایه قانون در سال ۱۹۹۱ ارتش جمهوری آذربایجان تأسیس گردید. نیروهای نظامی دارای سه شاخه نیروهای دریایی، هوایی و زمینی است. افزون بر این شاخه‌های اصلی نیروی نظامی آذربایجان دارای زیرشاخه‌هایی است که در مواقع لزوم می‌توانند در دفاع از کشور کمک کنند. این نیروها شامل گارد ساحلی، مرزبانان و نیروهای انتظامی داخلی است. گارد ملی آذربایجان یک نیروی بیشتر شبه‌نظامی است که یک نهاد نیمه مستقل ویژه از سرویس حفاظت دولتی است که زیر نظر رئیس جمهور اداره می‌شود. آذربایجان پیمان نیروهای مسلح متعارف در

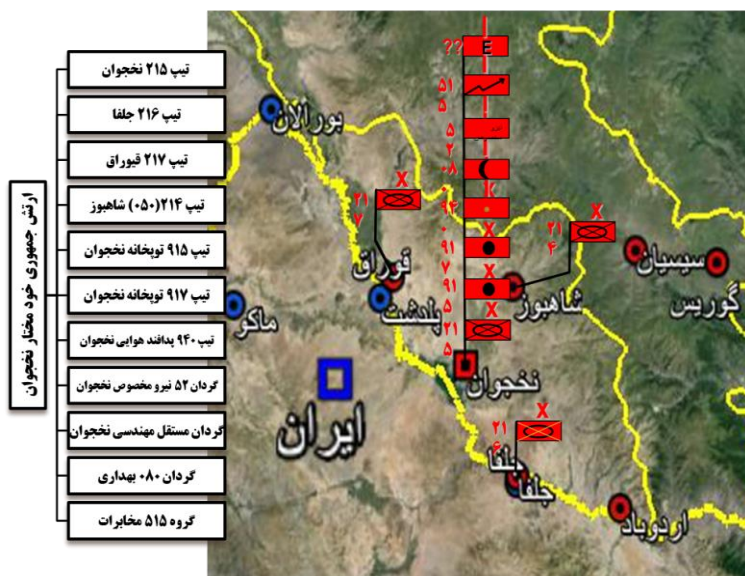
اروپا را امضا کرده است. این کشور همکاری نزدیکی با ناتو در پروژه‌ای حفاظت از صلح دارد. ارتش آذربایجان همکاری‌های تمرینی با گارد ملی اوکلاهاما داشته است (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۳).



شکل ۲: نقشه محل و پراکندگی پایگاه‌های نظامی آذربایجان

منبع: حیدری، ۱۳۹۵

آذربایجان با دارا بودن جمعیت بیشتر و جوان‌تر به‌طور بالقوه وضع مناسب‌تری را نسبت به سایر کشورهای پیرامونی خود در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در دفاع از کشور داراست. این شاخص‌ها در بخش نیروی انسانی برای آذربایجان نسبت به ارمنستان بیشتر از دو برابر ذکر شده است، اما اندازه نیروهای مسلح دو کشور رقیب تقریباً مساوی است و این بیانگر اهمیت بیشتری است که ارمنستان برای این مؤلفه قدرت ملی قائل شده است. (احمدیان، ۱۳۹۸: ۱۰۳).



شکل ۳: گسترش ارتش جمهوری خود مختار نخجوان

منبع: اسدی کیا، ۱۴۰۰

– نیروهای نظامی خارجی در آذربایجان:

عمده‌ترین نیروی نظامی موجود در پیرامونی آذربایجان، نیروهای ارتش روسیه به‌عنوان نیروهای حافظ صلح هستند. پس از روسیه از میان کشورهای همجوار ترکیه حدود ۲۶۰۰ نفر نیروی مستشار و مربیان آموزشی در آذربایجان دارد که پس از مناقشه اخیر با ارمنستان در حال افزایش می‌باشد. در کنار آن‌ها افسران و مربیانی از رژیم صهیونیستی در حال ارائه آموزش به نیروهای ارتش آذربایجان هستند. ناتو نیز با وجود تأسیس دفتر اطلاع رسانی در تفلیس و انجام مراوداتی در قالب پیمان مشارکت برای صلح ناتو با کشورهای منطقه عمده‌ا از حضور در منطقه خودداری نموده و در آینده نزدیک نیز امکان حضور در منطقه را ندارد (اسدی کیا، ۱۴۰۰: ۵۵).

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و با رویکرد کیفی بوده و حجم نمونه جامعه آماری خبرگی نیز به‌صورت هدفمند همگون و ناهمگون تا اشباع نظری است؛ لذا پس از انجام مصاحبه با ده نفر از خبرگان، محقق به اشباع نظری رسیده است. از این رو با تکیه بر روش‌های مطالعه اسناد و مدارک و مصاحبه تخصصی با ده نفر از خبرگان حوزه دفاعی، تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان احصاء گردید. تجربه و تحلیل

داده‌ها با بهره‌گیری از روش کیفی و توسط نرم‌افزار مکس کیودا^۱ انجام گردید. برای بالا بردن روایی مصاحبه‌ها از دیدگاه‌ها و نظرات متخصصان ژئوپلیتیک و علوم دفاعی و امنیتی استفاده شده و رسیدن به اشباع نظری دلیل بر روایی و پایایی مصاحبه‌ها می‌باشد. قلمرو زمانی تحقیق از نظر زمان جمع‌آوری داده از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ هـ ش و ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ میلادی، زمان انجام تحقیق از شهریور تا دی ۱۴۰۳ هـ ش و قلمرو زمانی از نظر کاربردی تا پایدار بودن شرایط محیط مورد واکاوی شده می‌باشد. از نظر مکانی قلمرو تحقیق از نظر مکان جمع‌آوری داده دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر در ج.ا.ایران و از نظر کاربردی حوزه جغرافیای منطقه قفقاز جنوبی (شمال غرب جمهوری اسلامی ایران، شمال شرق ترکیه و جمهوری آذربایجان). از نظر موضوعی نیز قلمرو این تحقیق در حوزه‌های علوم دفاعی و ژئوپلیتیک در تدوین راهبرد می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش کلیه صاحب‌نظران و متخصصین حوزه دفاعی و ژئوپلیتیک در سطح کشور بوده که به لحاظ گسترده بودن و عدم آمار مشخص از افراد مذکور ذکر فراوانی آن‌ها مقدور نبوده، لیکن برای تبیین مضامین و داده‌های کیفی و احصاء تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان از جامعه آماری با ویژگی‌های ذیل استفاده شده است: مسئولیت شغلی در حد فرماندهان و مدیران کل، مدرک تحصیلی دکتری در رشته‌های مدیریت‌های راهبردی، دفاعی و مشابه، تجربه شغلی ۲۰ سال و بالاتر، متخصص و خبره در مدیریت کلان دفاعی، سیاسی و فرهنگی و در حوزه ژئوپلیتیک؛ که نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده نیز حاکی از تجربه و تخصص بالای آنان در مسائل کلان راهبردی به‌ویژه در حوزه نظامی ترکیه و جمهوری آذربایجان است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این مرحله از پژوهش محقق با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا و به‌روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی ابتدا منافع نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان را مورد بررسی قرار داده، سپس منافع نظامی ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان را احصاء نموده و در پایان نیز تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان را برشماری نموده است؛ که با توجه به خروجی‌های به‌دست آمده از نرم‌افزار مذکور مشاهده می‌گردد که کشور ترکیه متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی خود در این جمهوری پنج منفعت نظامی در قالب ۵۵ گزاره و ۱۰۰ درصد

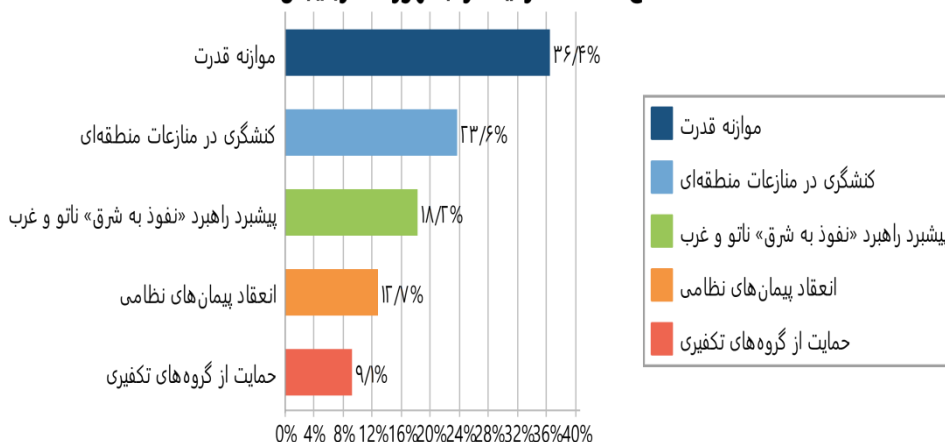
ترکیه در جمهوری آذربایجان

را در جمهوری آذربایجان دنبال نموده که در این بین منافع از قبیل موازنه قدرت، با تخصیص ۲۰ گزازه و ۳۶/۳۶ درصد، کنشگری در منازعات منطقه‌ای با ۲۳ گزازه و ۲۳/۶۴ درصد، و پیشبرد راهبرد «نفوذ به شرق» ناتو و غرب با ۱۰ گزازه و ۱۸/۱۸ درصد بیشترین میزان؛ و انعقاد پیمان‌های نظامی با ۷ گزازه و ۱۲/۹۳ درصد و حمایت از گروه‌های تکفیری با ۵ گزازه و ۹/۰۹ درصد، کمترین میزان درصد از منافع نظامی مذکور را به خود اختصاص داده‌اند؛ همچنین ج.ا.ایران نیز منافع نظامی پنج گانه‌ای در قالب ۳۴ گزازه و ۱۰۰ درصد را در جمهوری آذربایجان دنبال می‌نماید که از میان آن‌ها میانجیگری در مناقشات منطقه‌ای با تخصیص ۱۰ گزازه و ۲۹/۴۱ درصد، ممانعت از بازیگری ناتو و رژیم صهیونیستی و ممانعت از بازیگری گروه‌های تکفیری هر یک با ۹ گزازه و ۲۶/۴۷ درصد بیشترین میزان؛ و حمایت از حسینون آذربایجان با تخصیص ۴ گزازه و ۱۱/۷۶ درصد و ممانعت از نظامی کردن خزر با ۲ گزازه و ۵/۸۸ درصد، کمترین میزان درصد از منافع نظامی ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان را دارا می‌باشند. با عنایت به منافع نظامی احصاء شده ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان و با در نظر گرفتن مطالعات انجام شده از اسناد و مدارک مرتبط و همچنین مصاحبه‌های صورت گرفته، منافع نظامی متضاد چهار گانه در قالب ۸۸ گزازه و ۱۰۰ درصد بین دو کشور ارزیابی گردیده که از بین گزاره‌های مذکور عامل تقابل ژئواستراتژی با ۳۶ گزازه و ۴۲/۸۶ درصد، تقابل با ناتو و رژیم صهیونیستی با ۲۳ گزازه و ۲۷/۳۸ درصد و تقابل با گروه‌های تکفیری با ۲۱ گزازه و ۲۵ درصد، مهم‌ترین منافع نظامی متضاد دو کشور مورد توجه می‌باشند؛ همچنین نگاه تهدیدمحور به ج.ا.ایران با ۴ گزازه و ۴/۷۶ درصد، از کمترین تأثیر در بین منافع نظامی متضاد احصاء شده فی‌مابین ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان، برخوردار هستند.

جدول ۱. منافع نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان

Segments	Percentage
قدرت موازنه	36/36
ای منطقه منازعات در کنشگری	23/64
راهبرد پیشود «شرق به نفوذ» غرب و ناتو	18/18
نظامی‌های پیمان انعقاد	12/73
تکفوری‌های گروه‌ها حمایت	9/09
TOTAL	100/00

منافع نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان



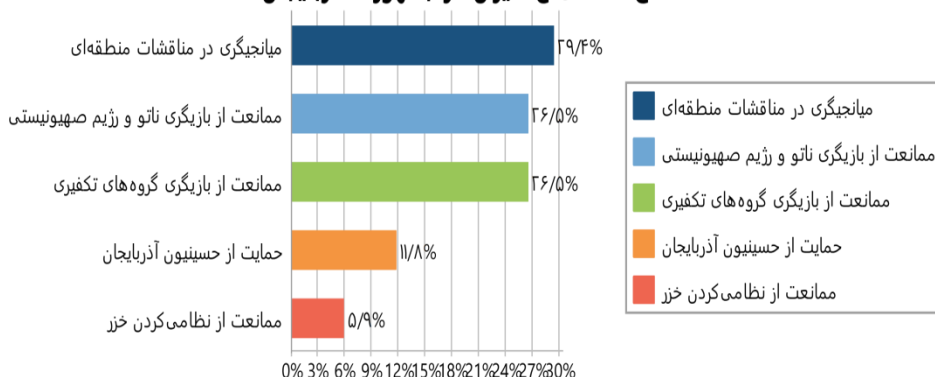
نمودار ۱. منافع نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان

با توجه به مقادیر مندرج در جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ در خصوص منافع نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان مشاهده می‌گردد که کشور ترکیه متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی خود در جمهوری آذربایجان منافع متعددی را در حوزه نظامی دنبال می‌نماید که در این پژوهش تعداد پنج منفعت نظامی از اسناد و مدارک و نظرات خبرگان برشماری گردیده است؛ همانگونه که مشاهده می‌گردد ترکیه با توسعه نفوذ خود در جمهوری آذربایجان در پی کسب منافع نظامی نظیر موازنه قدرت، کنشگری در منازعات منطقه‌ای و پیشبرد راهبرد «نفوذ به شرق» ناتو و غرب، در بعد نظامی بوده؛ و از سوی دیگر انعقاد پیمان‌های نظامی و حمایت از گروه‌های تکفیری را در اولویت‌های پایین‌تری در این مسیر قرار داده است.

جدول ۲. منافع نظامی ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان

Segments	Percentage
ای منطقه مناقشات در میانجیگری	29/41
صهیونیستی رژیم و ناتو بازیگری از ممانعت	26/47
تکفوری های گروه بازیگری از ممانعت	26/47
آذربایجان دسینون از حمایت	11/76
خزر کردن نظامی از ممانعت	5/88
TOTAL	100/00

منافع نظامی ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان



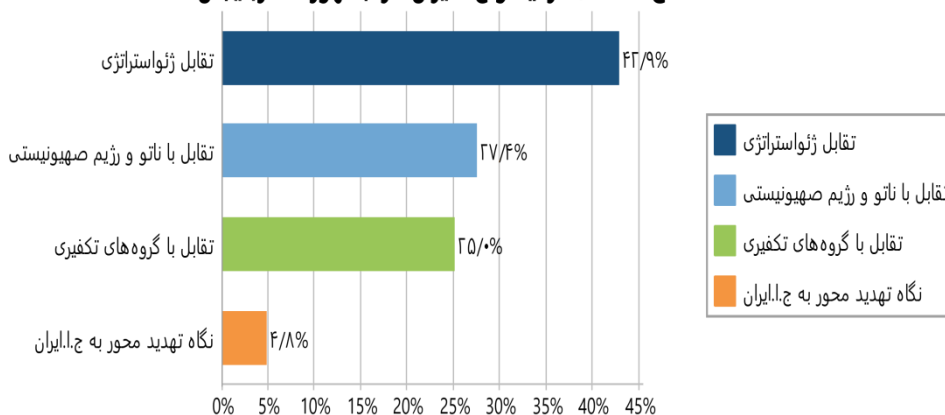
نمودار ۲. منافع نظامی ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان

حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در جمهوری آذربایجان موجب گردیده که ج.ا.ایران به منظور شناسایی و دفع تهدیدات متصور از این ناحیه، در پی تأمین منافع نظامی خود در این کشور در حوزه‌های مختلفی باشد؛ که در این تحقیق بر اساس مطالعات انجام شده و مصاحبه‌های صورت گرفته، به تعداد پنج منفعت نظامی اشاره شده است. همانگونه که در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲ بیان گردیده، میانجیگری در مناقشات منطقه‌ای، ممانعت از بازیگری ناتو و رژیم صهیونیستی، ممانعت از بازیگری گروه‌های تکفیری، حمایت از حسینیون آذربایجان و ممانعت از نظامی کردن خزر از مهم‌ترین منافع است که ج.ا.ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود به دنبال تحقق آن در جمهوری آذربایجان است.

جدول ۳. منافع نظامی متضاد ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان

Segments	Percentage
ژئواستراتژی تقابلی	42/86
صهیونیستی رژیم و ناتو با تقابلی	27/38
تکفوری‌های گروه با تقابلی	25/00
ج.ا.ایران به محور تهدید نگاه. ا.ا.ان	4/76
TOTAL	100/00

تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان



نمودار ۳. منافع نظامی متضاد ترکیه ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان

نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه‌های انجام شده در جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۳ مبین این موضوع است که قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان و کنشگری نظامی فعال‌تر نسبت به ج.ا.ایران در این کشور سبب ایجاد تضاد منافع نظامی چهار گانه، مابین ترکیه و ج.ا.ایران گردیده؛ که در این میان سه عامل تقابل ژئواستراتژی، تقابل با ناتو و رژیم صهیونیستی و تقابل با گروه‌های تکفیری از مهم‌ترین منافع نظامی متضاد دو کشور مورد توجه می‌باشند؛ همچنین نگاه تهدید محور به ج.ا.ایران، از کمترین تأثیر در بین منافع نظامی متضاد احصاء شده فی‌مابین ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان، برخوردار است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

الف- نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق که در جداول و نمودارها به آن اشاره گردیده می‌توان گفت جمهوری آذربایجان یکی از مهم‌ترین مراکز نفوذ ترکیه در حوزه پیرامونی ایران است، ترکیه ضمن نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جمهوری آذربایجان همواره به دنبال استقرار پایگاه نظامی خود در این کشور و در کرانه مرزهای شمال غرب ایران بوده، موضوعی بسیار حساسیت برانگیز که به سود امنیت و ثبات منطقه‌ای نیست. یکی از مناطقی که برای میزبانی از پایگاه نظامی ترکیه مطرح شده، جمهوری خود مختار نخجوان در نزدیکی مرز ایران است. احداث پایگاه یا پایگاه‌های نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان می‌تواند سطح تنش‌ها را در منطقه بالا ببرد. حضور نظامی ترکیه در

ترکیه در جمهوری آذربایجان

منطقه قفقاز جنوبی یادآور دوره امپراتوری عثمانی است. بدیهی است استقرار پایگاه نظامی ترکیه در کرانه مرزهای شمال غرب ایران و بین خاک ایران و ارمنستان، امر بسیار حساسیت برانگیز است و به سود امنیت و ثبات منطقه‌ای نیست.

یکی دیگر از اهداف حضور ترکیه در قفقاز جنوبی به‌ویژه در جمهوری آذربایجان، تأمین منافع بازیگران فرامنطقه‌ای غربی در قالب توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ ناتو به سمت شرق در این منطقه است. ناتو به منزله‌ی بازوی نظامی آمریکا از طریق برنامه‌ی مشارکت برای صلح، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را در مدار امنیتی خود وارد کرده است؛ مقامات آمریکا بر این باورند که گسترش ناتو به شرق ضمن رفع خلاء امنیتی منطقه می‌تواند از قدرت چانه‌زنی ایران، چین و روسیه بکاهد. کشورهای آذربایجان و گرجستان تمایل خود را برای عضویت در ناتو اعلام داشته‌اند که در صورت وقوع مرزهای شرقی ناتو به دریای خزر متصل، و توازن قوا در منطقه دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد؛ اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد تمامی مرزهای شمال غربی ایران در محاصره‌ی ناتو درخواهد آمد و و با توجه به کنشگری ترکیه و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و تعاملات روزافزون نظامی و امنیتی بین طرفین، زمینه برای بروز چالش‌های امنیتی در منطقه فراهم خواهد شد. از دیگر مصادیق تضاد منافع جمهوری اسلامی ایران با ترکیه در جمهوری آذربایجان در حوزه نظامی، تلاش جمهوری آذربایجان برای اشغال استان سیونیک در جنوب ارمنستان و قطع مرز جمهوری اسلامی ایران با این کشور در قالب پروژه انگلیسی ایجاد دالان جعلی زنگزور یا همان دالان تورانی ناتو است که با ایفای نقش و کنشگری فعال ترکیه و رژیم صهیونیستی و بازیگری جمهوری آذربایجان در جریان است.

از منظر آذربایجان، ج.ا.ایران کشوری بزرگ، فرهنگی، سیاسی و نظامی با توان تأثیرگذاری بالا در امور منطقه‌ای، مظهر اسلام سیاسی مخالف گسترش نظام سکولار و وزنه‌ی منفی تعادل در روابط با ارمنستان به حساب می‌آید؛ از دیدگاه ج.ا.ایران نیز جمهوری آذربایجان به لحاظ ساختار جغرافیایی سیاسی ویژه، جمعیت شناختی و مکانیسم حکومتی، در امنیت ملی ایران مؤثرتر از دیگر جمهوری‌های قفقاز است. اما موضوعی که موجب پیچیدگی در روابط دو کشور می‌گردد، تحت فشار گذاشتن جمهوری آذربایجان توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه ترکیه می‌باشد. به‌طور خلاصه و با در نظر گرفتن نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های اسنادی و مصاحبه‌های صورت گرفته با صاحب‌نظران، منافع نظامی متضاد ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان را در موارد ذیل دسته‌بندی می‌گردد:

۲- تقابل با ناتو و رژیم صهیونیستی

۳- تقابل با گروه‌های تکفیری

۴- القاء نگاه تهدید محور به ج.ا.ایران

به علت عدم شرایط سفر به کشورهای ترکیه و جمهوری آذربایجان، امکان مطالعات میدانی میسر نشده و محقق برای غنای تحقیق صورت گرفته از سایر روش‌های گردآوری اطلاعات استفاده نموده است.

ب- پیشنهادها

با در نظر گرفتن منافع و تضاد منافع نظامی ترکیه و ج.ا.ایران در جمهوری آذربایجان متأثر از قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در این کشور می‌توان به مواردی به شرح ذیل اشاره نمود:

۱) توسعه همکاری‌های دفاعی-امنیتی با جمهوری آذربایجان، با محوریت معاونت‌های عملیات و اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح در جهت ارتقاء توان بازدارندگی و رسیدن به برتری دفاعی-امنیتی از طریق

۲) تصریح مواضع قاطع ج.ا.ایران در قبال ایجاد هرگونه تغییر در ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و در مجاورت مرز ج.ا.ایران و یا حمایت از استقرار گروه‌های تکفیری، از سوی مسئولین سیاسی و راهبرد پردازان ج.ا.ایران.

۳) رصد و پایش مداوم و مستمر فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و همکاری دفاعی-امنیتی این رژیم با ترکیه، توسط معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستادکل نیروهای مسلح

۴) انجام رزمایش‌های سالیانه به صورت مشترک و یا مرکب توسط نیروهای مسلح ج.ا.ایران با همکاری کشورهای دوست و هم‌پیمان در مجاورت جدار مرزی ج.ا.ایران با جمهوری آذربایجان.

۵) برنامه‌ریزی لازم و اختصاص اعتبارات مورد نیاز، توسعه متوازن و همه‌جانبه را در نوار مرزی شمال غربی کشور، در جهت ایجاد امنیت پایدار و همگرایی منطقه؛ با توجه به سکونت بخشی از قومیت‌های ج.ا.ایران در نوار مرزی کشور آذربایجان.

۶) کنترل بحران‌های دفاعی امنیتی و افزایش دیپلماسی فعال دفاعی با جمهوری آذربایجان، در راستای تحکیم مواضع و تحقق منافع ج.ا.ایران در قبال تحولات قفقاز.

۷) سایر ابعاد کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در جمهوری آذربایجان اعم از قلمروسازی سیاسی، فرهنگی، نظامی، زیست‌محیطی، علم و فناوری و ... در بستر کشور جمهوری آذربایجان توسط دیگر محققین مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد.

فهرست منابع:

الف - منابع فارسی

- اتوتایل، ژناروید (۱۳۸۱)، "اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم"، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: وزارت امور خارجه.
- افضلی، رسول و رشیدی، مصطفی و متقی، افشین (۱۳۹۸) "تحلیل ساختار ژئوپلیتیک حاکم بر روابط دو جانبه‌ی ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ میلادی با رویکرد جغرافیای بر ساخت‌گرایی"، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای، انسانی، سال پانزدهم، دوره ۱۱، شماره ۸۰، صص ۲۰۵-۲۴۵
- احمدی، سید عباس و حیدری موصول، طهمورث (۱۴۰۲) رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای غربی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- احمدی، مهدی (۱۴۰۰)، "ارزایی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم"، مجله مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۳، صص ۲۱۰-۲۳۵
- بلاکس، مارک (۱۳۹۸)، جغرافیای سیاسی. ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا، عطاءالله عبدی، حسین ربیعی و عباس احمدی، تهران: نشر انتخاب.
- تهامی، عطا (۱۳۹۶)، ژئوپلیتیک جدید ایران: از گرجستان تا آذربایجان، تهران: وزارت امور خارجه.
- جونز، مارتین و رایس، وودز، مایکل (۱۳۹۶) مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی. ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، "اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک"، مشهد، انتشارات پاپلی.
- دادس، کلاز (۱۳۹۶)، "ژئوپلیتیک مقدمه‌ای بسیار کوتاه"، ترجمه زهدی گهرپور، محمد؛ پیشگاهی فرد، زهرا، تهران: نشر سهره.
- دوئرتی، جمیز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۹۶)، "نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل"، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- رابینز، بروس (۱۳۹۹)، سیاست جهانی محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب، ترجمه علی امیدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- رضائی، داود و همکاران (۱۳۹۹)، "تبیین الگوی کنش قلمروسازی کشورها"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم دوره چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۱۵-۱۴۰
- زهدی گهرپور، محمد (۱۳۹۶) پیدایش و اندیشه قلمروسازی در ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- کلیتون، دیوید دبلیو (۱۴۰۰) "دو رویه منفعت‌ملی"؛ ترجمه: اصغر افتخاری، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۹۷) ژئوپلیتیک نظام جهانی، تهران، ابرار معاصر.
- لورو، پاسکال و توال، فرانسوا (۱۳۹۶)، کلیدهای ژئوپلیتیک. ترجمه حسن صدوقی ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- مرادیان، محسن؛ صفوی، سید یحیی؛ حاتمی، حمیدرضا؛ یزدانی، حسن (۱۳۹۵) "مؤلفه‌ها و شاخص-های مؤثر بر روابط دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران با کشور ترکیه"، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۶۶، دوره ۱۴: ۱۶۰-۱۳۶.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷)، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: انتشارت سمت.
- ویلسن، سالیوان (۲۰۲۱) ساختار ژئوپلیتیک در روابط بین الملل، ترجمه بهرام مستقیم، تهران، بوستان کتاب.

ب - منابع انگلیسی

Henderson, Simon (2020) Turkish-Azerbaijan Relation, Policy Focus, Wasington Institute for Near East Policy.

Parker, Geoffery (2020) Geopolitics: Past, Present and Future, London, Pinter.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Published by The National Defense University.
This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

